

روزنامه شرق

نگاہ

فالون گونگ، افق روشن چین

هادی فیروزی

در ماه می ۱۹۹۲، زمانی که نخستین سمینارهای آموزشی «فالون گونگ» در شمال شرقی چین برگزار می‌شد، کمتر کسی گمان می‌کرد پس از دو دهه این روش معنوی، به یکی از مهم‌ترین مسائل چین امروزی تبدیل شود و سران کمونیست چین به دلیل آزار و اذیت مردمی که این روش را تمرین می‌کنند، به پای میز محاکمه کشانده شوند.

نخستين بار فالون گونگ (فالون دافا) به عنوان يک روش جي کونک
معرفي شدي. جي کونک نام روش هائي است که در آن از طريق مراقبه و
مرياتي آراء مي توان به رشد سلامت جسمي و آرامش روحي دست
يافت. در سال ۱۹۹۶ در نمايشگاه ترانس سمي آسيائي، فالون گونگ
ستاره جي کونک را گرفت و از مؤسسين ان روش (لي هنگجي به
عنوان استاد نمونه جي کونک قدرداري شد. تاثيرات مثبت فالون گونگ در
بهبود سلامتي و ارتقاي معنوي باعث شد جمعيت زياتي از مردم چين
به ان کرايش پيدا کنند. طبق امار رسمي، تعداد افرادي که فالون گونگ
را تمرين مي کردند، تا سال ۱۹۹۹ به مرز صد ميليون نفر رسيد. درباره
برهمنشي فالون گونگ در سلامتي، چند سرري تحقيق علمي از ساير
نهادهای پزشکی و دانشگاهي معتبر بيان داخل و خارج چين مستند
شده است. اما بهبود سلامتي تنها دليل استقبال مردم از فالون گونگ نبود.

پس از ده‌ها سال تسلط اندیشه ضدالهی کمونیسم بر جامعه چین، مردم تشنه آن بودند تا راهی صحیح به فرهنگ سنتی که خود بازرگند-در چین سابقین فالون گونگ پدیدار شود. چنین شد که هر روز هنگام سیدمرد بر سراسر چین در بارگاه تمرینات گروهی فالون گونگ دیده می‌موسیقی آرام آنها شنیده می‌شد. در سال ۱۹۹۶ کتاب «جوان فالون» که مهم‌ترین کتاب این روش است، پرفروش‌ترین کتاب پکن شد و سال‌های بعد سادس‌کم به ۳۰ زبان دنیا ترجمه و چاپ شد. فالون گونگ از می‌زمانی پس فراگیری و بارگاه کشور مورد استقبال گرفت و گوازیج و تقدیرنامه‌های بسیاری را دریافت کرد. در آن زمان حکومت چین از تأثیر مثبت فالون گونگ بر جامعه آگاه بود طوری که دولت چین رسماً اعلام کرد صد میلیون تمرین‌کننده فالون گونگ می‌توانند باعث صد میلیارد یوان صرفه‌جویی در هزینه‌های پزشکی کشور شوند. بی‌سوم از جمعیت ۶۰۰ میلیون‌نفری حزب کمونیست (در آن تاریخ) و بسیاری از مقامات و فالون گونگ پیوسته بودند.

تکرار انقلاب فرهنگی

«داشنت‌ناب» را درجده است! از یکبار جنبشی خشن را بر سرکوب گروهی از مردم به راه انداخته‌است! از سرکوب‌های خونی انقلاب فرهنگی مانده گرفته تا ده‌ها سال سرکوب اهالی بودیستی تبت و در نهانیت قلع و قمع دانشجویان در اواخر دهه ۸۰ میلادی، قانون‌گونگ می مذهب نیست، در چین کمونیسم توانسته است ایستادگی ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های ادیان راستینی شود که هوشمندانه از سوی کمونیست‌ها لگدمال می‌شد. چنین تهمید که پس از فراگیرشدن قانون‌گونگ، کمونیست کمونیستی نامیده شد، عملی که در فکر مردم، از آموزش‌ها، کفرآمیز کمونیسم فاصله می‌گیرد و به سمت ارزش‌های سنتی بازمی‌گردد. اگر تفکری بر پایه الهیات و خدایپرستی باشد، برای حزب کمونیست یک تهدید محسوب می‌شود. وقتی تعداد تمیزکننده‌های قانون‌گونگ، از تعداد اعضای حزب کمونیست فراتر رود، کمونیست به قانون‌گونگ حسادت ورزید و آن را رقیب خود دید. اکثر اعضای حزب با تفکر آن موافق نبودند، در حالی که مردم به طور روزافزون به قانون‌گونگ گرایش پیدا می‌کردند. زمانی که آقای لئو شنگجی، پیکارگر قانون‌گونگ، سخنرانی می‌کرد، تالار سخنرانی مملو از استادان دانشگاه، متخصصان، دانشجویان و مردم عامی‌ای بود که با پیمودن هزاران مایل خود را به محل سخنرانی می‌رساندند. لئو شنگجی ساعت‌ها به سؤال‌های سخنرانی می‌کرد بدون آنکه از متنی استفاده کند. سپس سخنرانی‌ها به صورت کتاب بارها چاپ و در مدت کوتاهی نیایب می‌شد. این در حالی بود که «جیانگ» زمین، و رهبر سابق حزب کمونیست، که مسبب اصلی آزار قانون‌گونگ و مردم، به معنای خود فشار آورد و فقط نواست به جمله بنویسد و آنها را «دشمن‌های سگانه» نامید. این سه جمله به صورت کتابی منتشر و در همه کشور پخش شد. مردم آن را می‌خردند، چراکه مجبور بودند. حسادت جیانگ زمین و واریش اجازه نمی‌داد چنین چیزی را تحمل کنند. این چنین شد که با وجود محبوبیت چشمگیر قانون‌گونگ، حزب کمونیست نتوانست از ممنوع اعلام کرد. تیرگی دوران انقلاب فرهنگی پیش چشم مردم دوباره محسوس شد و آزار و شکنجه شدیدی علیه ملی‌گرایان نافر از مردم به راه افتاد.

افول دوران سرخ

زادى از مقامات حزب كمونيست كه در اين آزار و اذيت نقشى داشته‌اند، با آنكه آزار و اذيت فالون كوئنگ رسماً تمام نشده است، اما تعداد زيادى از مقامات حزب كمونيست كه در اين آزار و اذيت نقشى داشته‌اند، همچون بازداشت و محاكمه شده‌اند، هرچند دليل سرنگوني آنها فسادى و سوءاستفاده از قدرت بوده، اما به نظر مى‌رسد يكى از انگيزه‌هاى پنهان رهبرى فعلى چين براى حذف اين افراد، بهبود وجهه چين در زمينه حقوق بشر است. از سويى ديگر، بيش از ۲۰۰ هزار شاكيست كيغرى مردم چين از جيانگ زمين، رهبر سابق حزب كمونيست، و در يك قديمي محاكمه قرار داده است. بيش از ۶۰ درصد از اين شاكيان از سوي دادستانى و دادگاه‌هاى خلق چين، تاييد شده است. گرچه سرنگوني مقامات چيني از سوي دولت به بهانه فساد بوده، اما دليلى كه فالون را به ميز محاكمه نيكى درگه، رهبرى آزار و شکنجه، تمرين كندگيان جيانگ كوئنگ بود كه در سال ۲۰۰۵ از محكوم شدن چين، «وو يونگانگ» بود كه حدود ۲۰۱۵ به جسد او محكوم شده است. زمين، وو يونگانگ را در قهرت‌نزدترين مردم چين مى‌دانستند. او در اس همه نهادهاى امنيتى و قضائى چين بود. «وو شيلاي»، ديگر عضو قدرتمند حزب كمونيست و از متحدين جيانگ زمين، بود. وي در سال ۲۰۱۳ به جسد او محكوم شد. او در سرفقت اعضاى داني و گسترش زندان‌ها و اردوگاه‌هاى كار اجبارى چين نقش فعالى داشت. در همان سال، دادگاهى در آمريكا جيانگ، محاكمه فالون زمين و «لوگان»، عضولى سابق كميته داني حزب و چهار مقام ديگر كمونيست را در دستور كار قرار داد. با اين حال، انتظار مى‌رود كه محاكمه قريب‌الوقوع زمين، متعاقب آن محاكمه‌هاى اشاره شده بزرگ‌تر را پيش داشته باشد. آنچه با همه آن مى‌تواند دادگاه‌هاى بزرگ‌تر در پيش داشته باشد، آنچه در اين ميان مى‌تواند تعيين‌كننده باشد، «انتخاب درست» هر فرد است.

یادداشت

«نیس» و مثلث تروریسم، مہاجرت و واگرایی

فرشید جعفری*

اروپا، سرزمین صلح و آزادی را
مثلت برمودای توریسم، مهاجرت
و وگرای به کام خود می‌کشد و تنها
کاری که از دست رهبران و مردمان
این سرزمین برمی‌آید، اِزار همدردی
با قربانیان یکی از سه ضلع مثلث
بحران است که هزارچندگانه‌ی نمود
خسرونت‌بار و خونین خود را در یکی
از شهرهای این سرزمین برمالا می‌کند.
حمله و خشونت‌ناکامین ۱۸ چرخ
سفید به مردمانی که در شهرن
فرانسه در هیاهوی برگزاری جشن ملی
کشورشان بودند نتنها تداوم یکی
دیگر از همین نمودهای خسرونت‌بار
و خونین است، بلکه تداوم خشونت‌ها
و واکش‌های تکراری و خسته‌کننده
رهبران اروپا و بعضا مردم آن سرزمین
نیز در برابر این قبیل اقدامات توریستی
است. «فرانساوالاند»، رهبر کشور
قربانی، بر صفحه تلویزیون ظاهر
می‌شود و برحسب عادت، گزاره‌های
مملو از نفوذ و شدت خود را بر زبان
می‌راند: «بر اقدام نظامی در سوریه
و عراق شدت خواهیم بخشید و
توریست‌ها را در لانه‌هایشان مهار
خواهیم کرد». وزیر خارج فرانسه نیز
در کنفرانسی خبری، دولت را متعهد
می‌داند که مرهم دردهای قربانیان این
حادثه تروریستی، چه به‌لحاظ روحی و
چه به‌لحاظ بهداشتی و درمانی باشد

و از ازمایش‌های بی‌نهایت در هر سه کشور پیشرو پارلمان فرانسه تصمیماتی را اتخاذ کرد. اما در این میان برای حفظ روحیه، رکاب‌زان «تور فرانسه» پای از رکاب نخواهند آید. نشان دهند که فرانسه، مهد آزادی و روشنفکران، بی‌سایه‌ی تسلیم دولت مخوف تروریستی نخواهد شد. غریبان اتحاد و یکپارچگی خود را حفظ خواهند کرد و این همه در زمانه‌ای اتفاق می‌افتد که هنوز مرزبانی‌های تقاضای پرحشم «جلیکات» درخصوص مشارکت ناجای بریتانیا

نشده است. هنوز ادعان «تونی بلر» نخست‌نیز بریتانیا، مبنی بر خطای مشارکت در جنگ علیه عراق به بهانه مهار تروریسم و استقرار دموکراسی در آن کشور با هدف غایی برای صلح دموکراتیک در منطقه خاورمیانه، در مرکز تحلیل‌های رسانه‌ای و دانشگاهی قرار دارد. اگر چنانچه غربیان گذشته را چراغ راه آیندۀ خویش قرار ندهند و بر اصل جنگ علیه تروریسم پافشاری و تروریسم بگویند، شاید صد دیگری بر سه ضلع تروریسم، مهاجرت و واگرایی افزوده شود و آن کابوس ستیز بر روابط دولت-ملت‌های اروپایی است که در آن صورت، زوال اندیشه و عمل ایران‌الدموکراسی غربی را باید به نظر نشست. اما نتیجه اقدام نظامی دفعه مقطعی تروریسم، اما با شیدن بذر کینه و انتقام در سرزمین حاصل‌خیز سنت و ایدئولوژی است که نمود برجسته‌اش

انفجارهای ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ پاریس، روسکوف و حرکت مارپیچی کامیون سفید رنگ در شهر سن و شتندشده ۸۲ نفر انسان بی‌گناه، شاهد بود. فرانسوا اولاند راست می‌گوید، تئوریست‌ها می‌توانند در لانه‌هایشان مهار کرد، اما لانه تئوریست‌ها هم فرجایی تئوریسم هستند. چه اگر این‌گونه نبوده، مهاجران سوری و عراقی در پشت مزه‌های سبزی دولت‌های اروپایی سرگردان و حیران نبودند و بحرانی به نام بحران مهاجرت گریبان آنها را نمی‌گرفت و رفاندوم خروج بریتانیا را اتحادیه اروپا برگزار نمی‌شد و «دیوید کامرون» نخست‌وزیر سابق این کشور، را به ترک ساختمان شماره ۱۰ مجبور نمی‌کرد، و به این‌تیرتیر مثلث برمودای تئوریسم، مهاجرت و واگرایی، تدریجاً اروپا را به کام خود نمی‌گذاشت.

*استاديار روابط بين الملل

A photograph showing a group of men gathered around a white van. One man in camouflage clothing is lying on the ground, possibly injured or dead. A shirtless man in jeans is in the foreground, looking towards the van. The scene suggests a conflict or a violent incident.

عکس: AP

پل بسفر سقوط می کند، آتاتورک نظاره می کند واردوغان برمی خیزد

ترکیه مانند مصر نیست

سیاوش رزمند

شعار	دولت ترکیه شده است. اما اینکه او واقعا پشت پرده
مصمیم	همه حوادث ترکیه بوده باشد را باید به دیده تردید
ندم	نگریست به خصوص در ارتش که به عنوان حافظ
ندم	ارزش های لایک ترکیه چندان سنجی به گرایشات
اتجه	اسلامی این عالم دینی ندارد و جنبش اعتراضی پارک
	«کزی» با حزب «دموکراتیک خلأ» از بنیان در نقطه
	مقابل او و همفرانش قرار می گیرند.

با کنار هم چیدن تکه‌های این رزل بدفواره کودتا از پل
تاریکی می‌توانستیم به خودمان این حق را بدهیم که
در کودتایی راستینین حوادث جمع‌شعب تاریک شک
کنیم. زمان نشان می‌دهد نتیجه چنین حرکتی چگونه
منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ترکیه که در
روزهای اخیر دست به اقدامات عادی‌سازانه در رابطه
با اسرائیل، روسیه و حتی سوریه «بشار اسد» زده بود
که حمله توریستی فرودگاه آنتاوارک در آن وقفه ایجاد
کرد، به کدامین سوی می‌رود و متخالفان سیاسی و احزاب
ایزوتسین با چگونه ترکیه‌ای درآوردن خواهند بود.

دیگر «رابعه» اردوغان حوالہ بہ سوی آنیت کابیر

ساکن
در جیب
شده شده

باور کنیم در هر دو حالت، پیروزی کودتایان بدون مشروعیت اخلاقی یا شکوهمندی مردمی اردوغان در شکست نظامیان، فقط یک نتیجه نهفته است و آن پایان دموکراسی ترکیه و احترام این کشور به آزادی‌های فردی و جمعی شهروندانش خواهد بود.

ای که مانند مصر نیست؛
ای که هر مسر هم توان نیست

مدل دموکراسی اسلامی
رای مصر را می‌آزانه دهد.
توسعه اقتصادی ترکیه در شاهراه
آسیا و آفریقا را افزایش
محافظه کارانه در سال‌های
پرو بوده است، اما در هیچ
ی با جامعه به شدت بسته
توسعه مصر در یک دسته
قرار نمی‌گیرد

در حکومت دوتای علییه
دولت مشروع ترکیه کوچک‌ترین
تردیدی وجود نداشته که ترک‌ها
به خیابان‌ها آمدند و نظامیان
را یکی‌یکی از سنگرهایشان
عقب‌براندانند. در یک نگاه این
دفاع بی‌نظیر مردم ترکیه از
ارزش‌های دموکراتیک است
که حزب عدالت و توسعه در

دوران حکمرانی‌اش به همراه رفاه اجتماعی و پیشرفت اقتصادی برای این کشور به ارمان آورده. از سوی دیگر، همین حزب در سال‌های اخیر رفته‌رفته دموکراسی را محدودتر کرده و با نیمی از جامعه به سبیز بر خاسته است و شخص اردوغان حتی تحمل استقلال نسبی «داود داغلو» آکادمیک و دیپلمات، را نداشت و «بن‌علی یلدیریم»، نخست‌وزیر تکنوکرات و از لحاظ اجتماعی، محافظه‌کار، را به

تورم استیو، آرمین زمری و سیمین مهری که بعد از ترسان با نظامیان به پادگان به خانه‌هایشان بازگشتند تا برآمدن آفتاب بر فراز برج «گلالتا» و گوشه‌شدن گوشه‌وکاری چند پنجره در محله «فر» استانبول یا چند مغازه در «گزیل آي» انکارا، شهروندان از خود پرسیدند کشورشان از روز شنبه ۱۶ جولای ۲۰۱۶ چگونه کشوری برای زندگی خواهد بود. دراین‌میان طرفداران گروه موسیقی «اردم هاجه» که در محله فروش محصولات موسیقی در «رامله جاده» قرار می‌دهند، متوجه حمله معترضان سنت‌گرا قرار گرفته بودند، هم طبیعتاً تا اطلاع بعدی در صفی متشکل از جوانان معترض پارک گزی، «چارشی»‌های خشمگین طرفدار، بشیکاش، طرفداران امیرتاش و حزب دموکراتیک خلق‌ها و دیگریان قرار می‌گیرند که «اردم گوندوز» که شاید دیگر نتواند برای اسامات‌ها به تصویر بنیان‌گذار، «مصطفی کمال اتاتورک»، در میدان تقسیم خیره شود، در میان آنهاست.

یعنی «ازمیر» هم مردم مانند سایر شهرها با شعار «شانه به شانه علیه کودتا» به خیابان‌ها ریختند.

اگر به خود بقبولانیم بخشی از ارتش ترکیه تصمیم به تغییر قهرآمیز دولت منتخب ترکیه گرفته باشند هم این روشن است بخش دیگری از همین ارتش قدم در چنین راهی گذاشت.

در واقعیت و با شرط پذیرفتن حقیقت کودتا آنچه نظامیان را با سری افکنده و دستی در آسمان از بل بسفر به پادگان هایشان بازگرداند، نه اراده مردم که ذات قرن کنونی یعنی بیست و یکم است که در کشوری با حداقل معیارهای دموکراتیک، چنین اجازه‌ای را به درجه‌داران برای قبضه قدرت نمی‌دهد.

آقای کولن آیا شما کودتای هستید؟

باید این فرض را ردپذیریم اگر کسی مسائل ترکیه را بیکبار می‌کند باید نام «فتح‌الله کولن»، واعظ رد تبعید ترکیه را شنیده باشد. بازتعریف شخصیت کولن و جنبش «خدمت» از یک سو و تنش‌های چندسال اخیر میان نیروهای طرفدار او رد پلیس، دادگستری و دیگر مآلها با شریک و نخست‌وزیر پیشین که امروز سالن «کاخ اک» و رئیس جمهور ترکیه است یعنی «رجب طیب اردوغان»، از سوی دیگر داستان بسیار گفته شده است و تازیان به توصیف درباره

دارد.

تکه مانده

همان طور که از روی مدل ترکیه برای همه جامعه‌دوستان اروپا و آسیا گریزات محافه‌خبر روبرو و شریط باج‌ و سنت‌گرا قرار

عدالت و توسعه او را تبدیل به چتری از توطئه برای
ساکت کردن مخالفان رو به افزایش اردوغان کرده
است. برچسب گولن تبدیل به کلیدواژه توطئه علیه

A photograph of two young men in a room with corrugated metal walls. One man is sitting on a bench, and the other is standing and looking at him. The standing man is wearing a striped shirt and shorts, while the sitting man is wearing a striped shirt and dark pants.

